خبرخوان

احتمال موج دوم بیماری در اواخر بهمن

ایسنا: رئیس مرکز تحقیقات مقاومت میکروبی دانشگاه علوم پزشکی تهران با بیان اینکه میزان مراجعه به مراکز درمانی به دلیل عفونت‌های تنفسی کاهش یافته اما همچنان امکان ابتلا وجود دارد، درباره احتمال پیک بعدی آنفلوانزا گفت: به طور معمول، پیک دوم آنفلوانزا را در اواخر بهمن یا اوایل اسفندماه تجربه می‌کنیم. محمدرضا صالحی درباره آخرین وضعیت بیماری‌های تنفسی و همچنین میزان مراجعه به مراکز درمانی به دلیل این عفونت‌ها افزود: «کاهش میزان مراجعه به دلیل عفونت‌های تنفسی طی دو تا سه هفته گذشته را مشاهده می‌کنیم. خوشبختانه نه‌تنها میزان مراجعه به بیمارستان‌ها کمتر شده، بلکه میزان بستری نیز کاهش چشمگیری دارد. پیک سنگین آنفلوانزا را پشت سر گذاشتیم و به نظر می‌رسد کم‌کم به پایان پیک اول آنفلوانزا در کشور می‌رسیم». او درباره احتمال بروز پیک دوم آنفلوانزا توضیح داد: «این احتمال وجود دارد که پیک دوم آنفلوانزا را در اواخر فصل سرما داشته باشیم، پیش‌بینی‌ها به طور معمول بیان می‌کند موج دوم آنفلوانزا از اواخر بهمن یا اوایل اسفند آغاز می‌شود. شرایط برخی فصول سرد سال به نحوی بوده که فقط یک پیک بیماری را تجربه کرده‌ایم. به طور معمول، فاصله میان پیک اول و دوم آنفلوانزا حدود یک ماه تا یک‌ونیم ماه است». رئیس مرکز تحقیقات مقاومت میکروبی دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره پیش‌بینی‌ها از شدت پیک دوم آنفلوانزا ادامه داد: «به طور معمول، پیک دوم نسبت به پیک اول خفیف‌تر است. هنگامی که پیک دوم آغاز می‌شود، گرم‌شدن هوا را نیز تجربه می‌کنیم و با گرم‌شدن هوا، میزان حضور در فضای بسته کمتر می‌شود. نه‌تنها حضور در فضای بسته کمتر می‌شود، بلکه شرایط محیطی مانند تهویه هوا نیز در پیک دوم نسبت به پیک اول بهتر است. پیک دوم نسبت به پیک اول خفیف‌تر، با درگیری کمتر و تلفات کمتر همراه است». صالحی درباره ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی گفت: «اگرچه میزان مراجعه به مراکز درمانی کاهش یافته اما رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فصل سرد به‌ویژه برای گروه‌های پرخطر توصیه می‌شود. رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای گروه‌های پرخطر مانند کودکان، سالمندان، مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای و زنان باردار می‌بایست تا پایان فصل سرد سال توصیه شود».

تردد ۳۰ هزار پیکان در تهران

ایسنا: رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه در حال حاضر در شهر تهران، حدود ۳۰ هزار دستگاه خودرو پیکان تردد می‌کند، اعلام کرد: «این خودروها نقش قابل توجهی در انتشار آلاینده‌ها دارند و شرایط در سایر کلان‌شهرها نیز به همین شکل است. از سوی دیگر این خودروها حداقل دو برابر خودرو نوشماره معادل خود، سوخت مصرف می‌کنند که این موضوع هم‌زمان بر ناترازی انرژی و آلودگی هوا اثرگذار است». احمد طاهری، با اشاره به تعدد تردد ناوگان حمل‌ونقل فرسوده در سطح ایران ادامه داد: «تعداد ناوگان حمل‌ونقل فرسوده به‌صورت تخمینی بیش از ۲۴ میلیون است و همین امر بر دو چالش مهم کشور، یعنی ناترازی انرژی و آلودگی هوا اثرگذار است. اگرچه این موضوع تاکنون نیز مورد توجه دولت چهاردهم بوده، شعار روز هوای پاک سال جاری نیز به این بخش اختصاص یافته است تا توجه بیشتری به این بخش جلب شود». او بر اثرگذاری آلایندگی ناوگان حمل‌ونقل فرسوده بر هوای کلان‌شهرها تاکید کرد و گفت: «حدود هشت درصد ناوگان سواری شهر تهران فرسوده است اما در تهران عامل بیش از ۳۸ درصد از انتشار آلاینده‌های هوا از مجموع ناوگان سواری، همین هشت درصد ناوگان فرسوده است. بر همین اساس فقط با خروج این ناوگان، مقدار آلاینده‌های هوای شهر ۳۸ درصد کمتر خواهد شد. این موضوع بیانگر اهمیت توجه به اسقاط خودروهای فرسوده به دلیل اثر آنها بر آلوده‌شدن هواست». به گفته او، به طور معمول انتشار آلودگی از هر خودرو فرسوده، ۹ برابر یک خودرو نوشماره با معادل مدل خود است. باید توجه داشت بخش قابل ملاحظه‌ای از خودروهای فرسوده کاربراتوری و دارای آلایندگی بالاست. طاهری انتظارات قانون هوای پاک درباره خودروهای فرسوده را نیز توضیح داد: «ماده ۸ قانون هوای پاک به موضوع اسقاط ناوگان فرسوده پرداخته و تکلیفی که بر عهده دولت گذاشته از رده خارج‌کردن ناوگان فرسوده کشور است. از سوی دیگر در این قانون، محدودیت یا ممنوعیت‌هایی مانند ممنوعیت تردد، حتی ممنوعیت خرید و فروش، ممنوعیت دریافت معاینه فنی و موارد جدید دیگری مثل حمل‌ونقل بار، کالا و مسافر نیز در نظر گرفته شده که با این وجود هیچ‌کدام از این محدودیت‌ها در سال‌های گذشته اعمال نشد. تعداد ناوگانی که در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ از رده خارج شد، بسیار ناچیز و حدودا کمتر از ۱۵ هزار خودروی فرسوده بود، این در حالی است که همان سال‌ها حدود دو میلیون خودروی جدید به ناوگان حمل‌ونقل اضافه شد». به گفته او، به‌طور کلی از زمان قانون تصویب قانون هوای پاک تا ابتدای سال ۱۴۰۳ فقط حدود ۲۰۰ هزار خودرو فرسوده از رده خارج شده بود: «اگرچه از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا حالا نیز بیش ۵۳۰ هزار خودرو فرسوده از رده خارج شد اما تعدد ترک فعل‌ها در سال‌های گذشته، منجر به انباشت وسایل نقلیه فرسوده شده و همچنان به به اقدامات جدی‌تر نیاز است».

۷۲۹ هزار و ۳۷۱ معلول شدید و خیلی شدید در کشور

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و نظارت مراکز توانبخشی مراقبتی سازمان بهزیستی با ارائه گزارشی از وضعیت معلولان شدید و خیلی شدید در کشور گفت: «۷۲۹ هزار و ۳۷۱ نفر معلول شدید و خیلی شدید داریم که از این میان ۱۲۴ هزار و ۹۷۵ نفر حق پرستاری ماهانه چهار میلیون تومان دریافت می‌کنند». فریده باغ‌علیشاهی افزود: «۱۴۶ هزار و ۷۶۱ نفر نیز در صف پشت نوبت قرار دارند که در این بین ۳۳ هزار و ۷۰۱ نفر معلول ضایعه نخاعی تحت پوشش هستند و هر ماه پشت نوبتی‌های ضایعه نخاعی را صفر می‌کنیم». بر اساس اعلام او، در حال حاضر هفت هزار و ۸۰۰ نفر تحت پوشش ۱۰۱ مرکز مراقبتی هستند و هر ماه ۳۰ ساعت خدمات و آموزش دریافت می‌کنند؛ یعنی سه جلسه دو ساعت و نیم در هفته. او درباره برنامه توسعه بیمه مراقبت طولانی‌مدت هم توضیح داد: «طرح بیمه مراقبت طولانی‌مدت را تهیه کرده‌ایم. در این طرح، کارمندان در طول شغل خود درصدی از حقوق خود را به عنوان بیمه پرداخت می‌کنند و در زمان سالمندی، این بیمه هزینه‌های مراقبتی آنها را تأمین می‌کند». به گفته باغ‌علیشاهی، هشت مرکز اقامتی شبانه‌روزی برای افراد دارای اختلال طیف اوتیسم ایجاد شده است که در مجموع ۱۱۰ نفر در آنها مقیم هستند. این مراکز دارای ۱۵ میلیارد تومان اعتبار مجزا هستند. برخی از این کودکان و نوجوانان خانواده ندارند و در حال بازنگری دستورالعمل‌ها هستیم تا امکان نگهداری طولانی‌مدت آنها فراهم شود. نگهداری موقت می‌تواند از یک روز تا چند ماه باشد و سقف زمانی برای آن وجود ندارد. او با بیان اینکه در حال حاضر ۲۹۵ خانه کوچک و حمایتی برای افراد دارای معلولیت، سالمندان و بیماران روان مزمن در سراسر کشور فعال هستند، ادامه داد: «این مراکز به عنوان پلی بین مؤسسه و خانه نقش کلیدی در انتقال افراد به زندگی مستقل ایفا می‌کنند».

مدرک گواهینامه موقت فارغ التحصیلی هادی رضایی فرزند محمد بشماره ملی ۳۵۲۰۳۳۳۱۳۹ صادره از دشتستان متولد ۱۳۶۰ فارغ التحصیل دانشگاه آزاد واحد دشتستان رشته حقوق سال ۱۳۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

بررسی وضعیت زنان زندانی بند سیاسی اوین در روزهای اخیر

از صف‌های طولانی تا محدودیت ملاقات

نیلوفر حامدی

سه هفته پس از آغاز اعتراضات در ایران، زندان اوین بار دیگر محل تجمع خانواده‌هایی شده است که یکی از اعضای خانواده‌شان در بازداشت به سر می‌برد. «علی صالحی»، دادستان عمومی و انقلاب تهران، اعلام آمار دقیق بازداشت‌شدگان را به «بعد از انجام تحقیقات کامل» ارجاع داده است، بنابراین فعلا خبری از تعداد بازداشتی‌ها نیست. براساس گفته‌های حاضران در بند زنان اوین، نزدیک به ۱۰۰ متهم فقط به سالن طبقه بالای این بند اضافه شده‌اند؛ اتفاقی که سبب شده زیست زندانیان، دشوارتر شود؛ از صف‌های طولانی مقابل فروشگاه زندان تا لغوشدن اعزام‌های درمانی و به‌هم‌ریختن برنامه ملاقات‌های حضوری زندانیان و خانواده‌هایشان. «زهرا مینویی»، وکیل پایه‌یک دادگستری نیز می‌گوید شرایط حاکم بر جامعه بهترین موقعیت برای قوه قضائیه و سازمان زندان‌هاست تا از اشکال دیگر تبدیل حبس و سایر ظرفیت‌های اجرای قانون استفاده کند. «شرق» برای پیگیری هرچه دقیق‌تر وضعیت سازمان زندان‌ها بارها با رابط این سازمان تماس گرفت، اما پاسخی دریافت نکرد.

قطعی تلفن‌ها

مادر یکی از زنان زندانی بند نسوان با اشاره به دشوارشدن زیست محبوسان قدیمی‌تر در پی افزایش بازداشتی‌های اخیر، به «شرق» می‌گوید: «عزیزان ما در زندان همیشه تلاش می‌کنند زیستِ سلامتی برای خود مهیا کنند. تمام تمرکز آنها بر این است که با وجود تمام دشواری‌های موجود روتین سالمی داشته باشند. اما هربار به نحوی این وضعیت به هم می‌خورد». او با توضیح وضعیت تماس‌ها ادامه می‌دهد: «هفته گذشته که به‌سختی می‌توانستم صدای دخترم را بشنوم. شرایط تماس از بند زندان به این شکل است که یک فهرست زمان‌بندی وجود دارد و همه براساس آن از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب می‌توانند با شماره‌هایی که روی کارت‌های تلفن‌شان ثبت شده است با ما تماس بگیرند. اما مسدودشدن خطوط تلفن باعث شده بود نتوانند در ساعت‌های مشخص‌شده به ما دسترسی داشته باشند. مثلا دو روز پیاپی دخترم موفق نشده بود صدای ما را بشنود. حالا شما تصور کنید کشور در چه شرایطی است و او هم در زندان هیچ امکانی برای ارتباط با فضای بیرون و آزاد ندارد. همان یک تلفن را هم از دست بدهد. از این طرف هم ما از شدت نگرانی نمی‌دانستیم که باید چه کنیم. واقعا اوضاع دشواری بود و به همه ما اعضای خانواده‌های زندانیان خیلی سخت گذشت».

صف‌های طولانی خرید

ماجرای وصل‌نشدن تماس‌ها البته محدود به یک خانواده نبود. همسر یکی دیگر از زندانیان بند زنان نیز با تاکید بر همین مشکل، می‌گوید معضلات این روزهای زندانیان فقط تماس تلفنی نیست: «در حال حاضر حدود ۱۵۰ زندانی در بند زنان حضور دارند. حدود ۵۰ نفر از قبل و ۱۰۰ نفری هم بعد از شلوغی‌های اخیر اضافه شده‌اند. هفته اول که تنها راه ارتباطی ما با خانواده‌هایمان، یعنی همان تماس‌های تلفنی، به طور کلی به هم ریخته بود. حالا و بعد از گذشت یک هفته می‌توانیم دوباره صدای عزیزانمان را بشنویم اما مشکلات دیگری وجود دارد. مثلا فروشگاه بند که تا پیش از این باید به ۵۰ نفر جنس می‌فروخت، حالا باید پاسخ‌گوی ۱۵۰ نفر باشد. نتیجه این می‌شود که همسرم به عنوان کسی که چند سال اخیر را در زندان گذارنده، هربار مقابل فروشگاه می‌رود و با صف طولانی از زندانیان مواجه می‌شود». او این را هم اضافه می‌کند که طبیعی است زندانیان تازه‌وارد نیاز بیشتری داشته باشند: «البته من به افرادی که به‌تازگی وارد زندان شده‌اند حق می‌دهم. طبعا آنهایی که ورودی جدید محسوب می‌شوند بیشتر از قدیمی‌ها لازم دارند برای وضعیت تازه‌ای که گرفتارش شده‌اند، خرید کرده و مایحتاجشان را تأمین کنند. این مدیران زندان هستند که باید طبق شرایط جدید، امکانات را هم ارتقا دهند».

این روزها آماده‌کردن غذای روزانه زندانیان در آشپزخانه هم سخت شده است. این را خواهر یکی از افرادی می‌گوید که به خاطر شرایط جسمی ویژه‌اش باید هر روز آشپزی کند: «خواهرم یک بیماری کبدی دارد و به همین دلیل باید مراقب تغذیه‌اش باشد؛ بنابراین ناچار است هر روز آشپزی کند. در روزهای اخیر اما عملا امکان این کار وجود ندارد. کل بند زنان زندانی سیاسی یک آشپزخانه دارد. درحالی‌که در بند قبلی دو آشپزخانه مجزا وجود داشت و اگرچه همان هم کوچک بود اما باعث می‌شد افراد در دو بخش جدا بتوانند آشپزی کنند. اما شما تصور کنید که ۱۵۰ زندانی چطور می‌توانند فقط در یک آشپزخانه غذای روزانه خودشان را تأمین کنند؟». جنگ ۱۲روزه و تخریب زندان اوین باعث شد زندانیان مرد به تهران بزرگ و زنان به قرچک اعزام شوند. حالا چند ماهی می‌شود که زندانیان سیاسی زن از قرچک به اوین بازگشته‌اند و در بندی جدید روز و شب می‌گذرانند. طبق آنچه خود زندانیان توصیف کرده‌اند، این زندان دو طبقه دارد که در حال حاضر متهمان و بازداشتی‌های جدید در طبقه بالای این بند ساکن شده‌اند. یکی از زندانیان دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «طبق قانون ما هر هفته یک ملاقات کابینی و هر ماه هم یک بار ملاقات حضوری با خانواده‌هایمان داشتیم. بعضی هفته‌ها شلوغ‌تر و بعضی هفته‌ها خلوت‌تر بود اما این حق ما زندانیان است که طبق همین روند اعضای خانواده خودمان را ببینیم. اما این هفته در اتفاقی عجیب ناخودآگاه خبر دادند که فقط هفت نفر می‌توانند به ملاقات حضوری بروند. خانواده‌ام طبق برنامه این هفته به ملاقات آمده بودند، اما وقتی که فهمیدیم نمی‌توانیم ملاقات حضوری داشته باشیم و باید از کابین با هم دیدار کنیم، منصرف شدیم. در این دوران سخت که مردم شرایط خوبی ندارند و مدام از بیرون زندان خبرهای بد به گوش ما می‌رسد، دیدار با خانواده می‌تواند باعث دلگرمی هم ما و هم عزیزانمان شود. نمی‌دانم چرا چنین تصمیمی گرفته شده است.

به زندانیان قدیمی مرخصی بدهند

«زهرا مینویی»، وکیل پایه‌یک دادگستری هم با معرفی یکی از موکلانش که در شرایط اعزام درمانی بوده که حالا لغو شده است، می‌گوید: «یک موکل بالای ۶۰ سال دارم که شرایط جسمی خوبی ندارد. قرار بود اعزام درمانی داشته باشد و همه کارهایش هم انجام شده بود. پیش از شروع این اعتراضات باید اعزام می‌شد و حالا گفته‌اند دیگر چنین امکانی وجود ندارد. از سوی دیگر، وقتی برای ابلاغ وکالت‌نامه‌هایم به زندان تهران بزرگ مراجعه کردم، متوجه شدم بسیاری از ملاقات‌های زندانیان را کنسل کرده‌اند؛ چراکه باید پاسخ‌گوی خانواده‌های زندانیان جدید می‌بودند. این در شرایطی است که خانواده‌ها با صرف هزینه و زمان بسیار فراوان خودشان را از نقاط مختلف تهران به تهران می‌رسانند و وقتی متوجه می‌شوند که این امکان از آنها سلب شده است، فشار مضاعفی متحمل می‌شوند. در شرایطی که اوضاع حاکم بر جامعه و زیست مردم هم خاص است، چنین اتفاقاتی تأثیری دوچندان بر روان آنها می‌گذارد».

مینویی با اشاره به جنگ ۱۲روزه ادامه می‌دهد: «در تجربه جنگ ایران و اسرائیل ما شاهد آن بودیم که هم از زندانیان، هم مردم عادی، هم خانواده‌هایشان که برای ملاقات آمده بودند و هم کادر دولتی قربانی آتش جنگ شدند. در چنین شرایطی که بار دیگر اوضاع ملتهب است، چه خوب که بتوانیم فضا را امن‌تر کرده و از سایر ظرفیت‌های قانونی استفاده کنیم».

این وکیل دادگستری با معرفی سایر اشکال اجرای احکام زندانیان در شرایط ویژه کنونی عنوان می‌کند: «سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه می‌تواند از تمهیدات متعددی برای مدیریت بهتر این فضا استفاده کند. به طور مثال، در حال حاضر زندانیان زیادی در بند زنان حضور دارند که از نظر قانونی می‌توانند از اشکال دیگر تبدیل حبس بهره ببرند. شرایطی مثل مرخصی درمانی، مرخصی متصل به آزادی، آزادی مشروط، پابند الکترونیک و... از جمله این موارد هستند».

عدالت در آینه زنان؛ روایتی میان حق و واقعیت

نیروانا مهرآیین. دکترای حقوق بین‌الملل

عدالت در تعریف رسمی خود، مفهومی شفاف و قابل اندازه‌گیری به نظر می‌رسد؛ مجموعه‌ای از قوانین، قواعد و فرایندهایی که قرار است نظم و امنیت را تضمین کند. اما وقتی پای زنان به میان می‌آید، این مفهوم پیچیده‌تر و انسانی‌تر می‌شود. تجربه عدالت برای زنان نه‌تنها مبتنی بر حکم نهایی دادگاه است، بلکه مسیر دشواری است که از نخستین لحظات وقوع جرم یا طرح اتهام آغاز می‌شود. زنانی که در این مسیر قدم می‌گذارند، اغلب نه صرفا در نقش بزه‌دیده یا متهم، بلکه به عنوان افرادی دیده می‌شوند که میان فشارهای خانوادگی، محدودیت‌های فرهنگی و چالش‌های حقوقی، به دنبال راهی برای شنیده‌شدن هستند. سرگذشت زنان در دادخواهی آینه‌ای است که در آن شکاف میان قانون و واقعیت اجتماعی به‌وضوح دیده می‌شود. هرچند قانون در بسیاری موارد روشن است، زندگی زنان چنین نیست. پیش از آنکه به قانون برسند، باید از سد قضاوت‌های اجتماعی عبور کنند؛ قضاوت‌هایی که گاه سنگین‌تر از خود جرم است. وقتی زنی تصمیم به شکایت می‌گیرد، تازه وارد مرحله پیچیده‌تر ساختار رسمی دادرسی می‌شود. این ساختار قانونی و منظم است، اما تجربه زنان از آن همیشه آسان نیست. بازجویی، تعامل با ضابطان، پیگیری پرونده در دادسرا، مراجعه به پزشکی قانونی، حضور در دادگاه و ارتباط با وکیل، همه نیازمند آگاهی و انرژی روانی است؛ چیزی که بسیاری از زنان، به‌ویژه آنان که زیر فشار اقتصادی یا خشونت خانگی هستند، کمتر در اختیار دارند. دادخواهی برای برخی زنان نه‌فقط یک فرایند حقوقی، که نوعی فرسایش روانی است؛ فرسایشی که در آن احساس می‌کنند کسی به اندازه کافی «حقیقت زندگی»شان را نمی‌بیند.

در بسیاری پرونده‌ها، زمینه ارتکاب جرم از شرایط اجتماعی بیرون می‌آید: فقر، نبود حمایت مالی، خشونت طولانی‌مدت، اعتیاد همسر یا مسئولیت‌های سنگین مراقبتی. زنان کمتر از مردان مرتکب جرم می‌شوند و وقتی مرتکب می‌شوند، دلایلشان اغلب به «اضطرار» گره خورده است. با این حال، ساختار کیفری همیشه ابزار کافی برای دیده‌شدن این زمینه‌ها ندارد. عدالت واقعی زمانی رخ می‌دهد که جرم نه‌فقط در متن قانون، بلکه در ظرف زندگی فرد سنجیده شود؛ در ظرف تجربه‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که او را به خطا رسانده است.

با این حال، تجربه زنان از عدالت تنها روایت ضعف‌ها نیست. بسیاری از زنان با وجود موانع، مسیر دادخواهی را با قدرت، آگاهی و امید پیموده‌اند. این تجربه‌ها نشان می‌دهد زن ایرانی نه منفعل است و نه تنها، بلکه در دل پیچیدگی‌ها به دنبال شنیده‌شدن است. جامعه نیز در سال‌های اخیر حساس‌تر و آگاه‌تر شده و موضوعاتی مانند خشونت خانگی، حقوق برابر و حمایت از زنان بیش از گذشته در رسانه‌ها و افکار عمومی دیده می‌شود. تغییرات کوچک اما مداوم، نشان‌دهنده میل جامعه به نزدیک‌ترشدن حق و واقعیت است. عدالت برای زنان فقط زمانی معنا دارد که مسیر رسیدن به آن انسانی باشد. انسانی یعنی شنیدن روایت زن بدون پیش‌داوری، دیدن او پیش از آنکه «پرونده» باشد، درک شرایطی که او را به این نقطه رسانده و احترام به کرامت انسانی‌اش در هر مرحله از دادرسی. زندگی زنان پیچیده‌تر، پرتلاطم‌تر و پر از ظرافت‌هایی است که هیچ ماده قانونی نمی‌تواند به‌تنهایی آن را پوشش دهد. هر روز، زنان با انتخاب‌ها و محدودیت‌هایی مواجه‌اند که گاه تصمیمات‌شان در مسیر دادخواهی شکل می‌دهد و گاه آن را به تعویق می‌اندازد. عدالت فقط در چارچوب قوانین محدود نمی‌شود؛ کیفیت دسترسی به عدالت، نحوه تعامل با نهادهای حقوقی و توانایی زن در پیگیری حق خود نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن است. زنان در مسیر عدالت اغلب با فشارهای فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو هستند؛ فشارهایی که انگیزه‌های شکایت یا دفاع آنان را تغییر می‌دهد. آنها مجبورند بین منافع خانواده، فرزندان، اعتبار اجتماعی و حق شخصی خود توازنی حساس برقرار کنند. این انتخاب‌ها که در قانون مستقیما لحاظ نمی‌شوند، بخش مهمی از تجربه عدالت هستند و نشان می‌دهند عدالت واقعی نیازمند انعطاف و هوشمندی در اجرای قانون است.

زنان با توانمندی و خلاقیت خود نیز مسیر عدالت را بازسازی می‌کنند. یادگیری حقوق پایه، استفاده از مشاوره حقوقی و همفکری با دیگر زنان، راه‌هایی برای محافظت از خود و پیگیری حق‌شان فراهم می‌کند. این تلاش‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده قدرت زنان در مواجهه با محدودیت‌هاست، بلکه اهمیت آموزش و آگاهی حقوقی را برجسته می‌کند. هر گامی که زنان برای فهم حقوق خود برمی‌دارند، تقویت عدالت عملی و واقعی در جامعه را به همراه دارد. تجربه‌های زنان بازخورد مهمی برای نظام حقوقی فراهم می‌کند. وقتی سیاست‌گذاران و مجریان قانون به این تجربه‌ها توجه کنند، می‌توانند قوانین و رویه‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کنند که با زندگی واقعی زنان هماهنگ‌تر و عادلانه‌تر باشد. این هماهنگی مهم‌ترین پیش‌شرط برای ایجاد حس عدالت در جامعه و اعتماد عمومی است. مسیر زنان در دسترسی به عدالت بیشتر از مجموعه‌ای از مراحل قانونی، نمایانگر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و حقوقی در جامعه است.

همچنین، عدالت شامل فرایندی است که طی آن زنان حس می‌کنند حق‌شان مورد توجه قرار گرفته و تصمیمات با احترام و دقت اتخاذ شده است. اقدام به ثبت شکایت یا مراجعه به دادگاه، حتی بدون نتیجه قطعی، نمادی از تلاش برای عدالت است. اثر بلندمدت فرایند دادرسی بر زندگی زنان نیز اهمیت دارد؛ زنانی که در مسیر دادخواهی موفق به پیگیری حق خود می‌شوند، تجربه‌ای کسب می‌کنند که در حمایت از خود و دیگران مؤثر است و به حافظه جمعی جامعه اضافه می‌شود.

تعامل با نهادهای مدنی، انجمن‌های حمایت از زنان و شبکه‌های تخصصی، به زنان امکان می‌دهد فرصت‌های بهتری برای مطالبه حقوق و حفاظت از خود پیدا کنند. این حمایت‌ها به‌ویژه برای زنانی که در شرایط دشوار اقتصادی یا فرهنگی قرار دارند، اهمیت مضاعف دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق عدالت عملی دارد. هر گامی که زنان در مسیر خودآگاهی حقوقی و اجتماعی برمی‌دارند، نشان‌دهنده قدرت آنان در مواجهه با محدودیت‌ها و ضعف‌های ساختاری است.

تجربه‌های زنان در دادگاه‌ها و تعامل با نهادهای قضائی فرصتی برای بازخورد به سیستم حقوقی فراهم می‌کند و باعث بازنگری قوانین، بهبود فرایندها و ایجاد رویه‌هایی می‌شود که با زندگی واقعی زنان همخوان‌تر است. عدالت برای زنان شامل تقویت توانایی تصمیم‌گیری مستقل و دفاع از حق خود است. زنانی که می‌آموزند چگونه از حقوق خود دفاع کنند، مسیر دادخواهی را آسان‌تر طی می‌کنند و در بلندمدت باعث افزایش آگاهی و اعتماد عمومی جامعه به نظام حقوقی می‌شوند.

مسیر زنان در عدالت کیفری بازتاب‌دهنده تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه است. هر تصمیم، هر گام و هر تجربه، بخش مهمی از فهم جامعه از عدالت را شکل می‌دهد. زنانی که با آگاهی و امید مسیر دادخواهی را طی می‌کنند، عدالت را زندگی می‌کنند. آنچه از این تجربه‌ها حاصل می‌شود، نه‌تنها به نفع زنان است، بلکه به تقویت اعتماد عمومی، بهبود سازوکارهای حقوقی و ایجاد جامعه‌ای منصفانه‌تر و انسانی‌تر کمک می‌کند.

خبرهای روز

«شاد» اختلالی ندارد

ایسنا: مشاور مرکز فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه سالانه حدود ۱.۵ همت برای توسعه پلتفرم شاد نیاز است گفت: «اختلالی در شاد نداریم اما اگر اختلالی هم باشد مربوط به زیرساخت شبکه استانی است، چراکه اپلیکیشن و سکوی شاد مشکلی ندارد». علیرضا عبدالله‌نژاد ادامه داد: «پیش‌تر هم اعلام کردیم که برای مدیریت پیک حضور کاربران از ساعت ۸ تا ۱۱ دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و از ساعت ۱۱ تا ۱۶ دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌توانند کلاس‌هایشان را در شاد برگزار کنند، با این شرایط هیچ اختلالی در شاد نخواهیم داشت». او با بیان اینکه اکنون برنامه‌ای برای توسعه زیرساخت‌ها و سرورهای شاد داریم که در حال پیگیری از چند مسیر است و به‌زودی بحث توسعه زیرساخت‌ها به انجام خواهد رسید، افزود: «وقتی صحبت از توسعه زیرساخت‌ها می‌شود، یعنی افزایش تعداد و نسل جدیدتر». عبدالله‌نژاد در پاسخ به این سؤال که کدام استان‌ها بیشترین اختلال را داشتند، گفت: «به صورت استانی معمولا اختلالی نداریم، اگر اختلالی هم باشد در زیرساخت شبکه استان است، یعنی به اپلیکیشن و سکوی شاد ارتباطی نداشته و خود شبکه مشکلی ندارد». او با بیان اینکه اکنون روزانه ۱۲ میلیون نفر کاربر به شاد مراجعه می‌کنند، افزود: «در حال حاضر کسانی می‌توانند در شاد حاضر شوند که نقشی برای آنها در نظر گرفته باشیم. شاد یک شبکه اختصاصی برای آموزش و پرورش است که دانش‌آموز، معلم و مدیر مدرسه و کارکنان اداری می‌توانند در آن فعالیت کنند، یعنی حدود ۱۶ میلیون دانش‌آموز و یک میلیون فرهنگی امکان این را دارند که در شاد تعیین نقش کنند و به آنها دسترسی داده شود». مشاور مرکز فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه در حال حاضر استان‌هایی که کلاس‌هایشان به هر دلیلی مانند برودت هوا غیرحضوری برگزار می‌شود، به صورت کاملا رایگان در اختیار مدیر قرار می‌گیرد تا کلاس‌ها را برگزار کند و محدودیتی وجود ندارد، گفت: بخش‌های متنوع شاد به صورت ۲۴ساعته در اختیار همه کاربران حتی کسانی که تعیین نقش نشده‌اند قرار می‌گیرد. او افزود: «بخشی داریم به نام «آموزش» که بیش از ۱۰ هزار قطعه ویدئوی آموزشی از پایه اول تا پایه دوازدهم برای تمام رشته‌ها بارگذاری شده و کلاس‌های درسی که دانش‌آموزان در مدرسه داشته‌اند، در این کلاس‌ها مرور می‌شود».

تداوم روند کاهش دما و بارش در کشور

ایسنا: رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از بارش برف و باران در مناطق مختلف کشور خبر داد و کاهش دما را برای نیمه غربی و نیمه شرقی کشور پیش‌بینی کرد. صادق ضیاییان با پیش‌بینی شرایط جوی روزهای آینده توضیح داد: «امروز (سی‌ام دی‌ماه) علاوه بر مناطق ذکرشده در کل نوار شمالی و نواحی مرکزی نیز بارندگی، وزش باد و کاهش دما مورد انتظار است. امروز بارش‌ها در نیمه شمالی نیز به شکل برف اتفاق می‌افتد و در گیلان، غرب مازندران، ارتفاعات البرز مرکزی و شمال چهارمحال‌وبختیاری بارش با شدت همراه خواهد بود. چهارشنبه (اول بهمن‌ماه) گستره بارش در نیمه شرقی کشور به‌جز جنوب سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان فعال خواهد بود، همچنین چهارشنبه در خراسان رضوی گردوخاک رخ می‌دهد». او ادامه داد: «پنجشنبه (دوم بهمن‌ماه) وزش باد در شرق و جنوب شرق، پدیده غالب جوی خواهد بود و بعد از آن با گذر امواج تراز میانی جو از غرب در مناطق از دامنه‌های زاگرس مرکزی واقع در چهارمحال‌وبختیاری، شمال خوزستان، لرستان، ایلام، کرمانشاه، غرب کردستان، جنوب آذربایجان غربی، همدان، مرکزی، قم، همچنین در دامنه‌های جنوبی البرز واقع در زنجان، قزوین، البرز و تهران افزایش ابر، وزش باد، گاهی بارش باران و برف مورد انتظار خواهد بود».

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا ادامه داد: «جمعه (سوم بهمن‌ماه) این شرایط جوی در این مناطق ادامه خواهد داشت و شدت بارش‌ها در چهارمحال‌وبختیاری، شرق لرستان، غرب کرمانشاه و شمال ایلام پیش‌بینی می‌شود. امروز سه‌شنبه در نیمه غربی و چهارشنبه در نیمه شرقی روند کاهش دما پیش‌بینی می‌شود و براساس نقشه‌های هواشناسی امروز شمال خلیج فارس، روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه تنگه هرمز، دریای عمان و طی سه روز آینده دریای خزر مواج و متلاطم خواهد بود».